

با استاد علی اکبر اسماعیلی قوچانی؛ خوشنویس بزرگترین قرآن جهان

می خواهم کار را بالاخره تمام کنم ...

سمانه ترجمی یوسفی



... برگزار کرده است. در سال ۱۳۵۰ برای اولین بار قرآنی را در قطع بزرگ شروع به کتابت کرد و حدود ۲۰۰ صفحه از آن را پیش برد اما متأسفانه به دلیل عدم امکانات کافی و حمایت از سوی مسئولان موفق به کامل کردن آن نشد. این قرآن هم اکنون در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می شود. چند سال قبل برای بار دوم به کتاب قرآن در قطع بزرگ اقدام کرد و حدود ۱۰۰ صفحه از آن را نوشت. اما باز به علت نبودن امکانات و فضای کافی موفق به اتمام کار نشد. حالا پس از سالها کار و تدریس، بازنشسته اداره ارشاد خراسان است و برای سومین بار شروع به کتابت بزرگترین قرآن جهان در ۷۰۰ صفحه و بر روی صفحاتی از پارچه به ابعاد ۱/۷۵ متر در ۲/۵ متر کرده است. این قرآن بهانه ای شد تا به صرف یک استکان چای داغ پای صحبت‌های ایشان بنشینیم.

اگر بخواهیم سیر تحول خط و هنر خوشنویسی را دنبال کنیم، باید ابتدا از دیوار نوشته های درون غارها سخن به میان آوریم. چرا که خط قبل از آنکه به مقوله هنر وارد شود، به عنوان اولین عنصر در حوزه ارتباطات انسانی تولد یافت. از آن زمان تاکنون، فرم و هویت خط بسته به سلیقه و حتی عقاید دینی و آیینی قومی و جغرافیایی ملل مختلف، دچار تحولات مختلف و متنوعی شده است. این تحول بیش از هر جایی در تمدن ایرانی اسلامی، اتفاق افتاد و می توان گفت از این تحول به بعد، خط در سرزمین اسلامی به خصوص ایران و عثمانیه قدیم، به خوشنویسی تغییر ماهیت داد.

خوشنویسی در این معنا، رسالت خود را در ابلاغ آیات الهی، منابع وحی، کلمات قصار، پندها و موعظه ها می دانست. بزرگان ما در طول زمان بیش از همه، در راه انتقال مفاهیم الهی از خوشنویسی بهره برده اند. اولین کاتب پیام وحی را به امیرالمومنین نسبت داده اند و ایشان را اولین استاد خط و هنر خوشنویسی در قلمرو سرزمینهای اسلامی دانسته اند. با چنین رویکرد و رسالتی هنرمندان ما در جای جای سرزمین اسلامی در طول زمان به خلق آثار هنر خوشنویسی پرداخته اند. از این فضیلت هنرمندان مشهدی نیز بی بهره نمانده اند. استاد علی اکبر اسماعیلی تبار، معروف به اسماعیلی قوچانی (متولد ۱۳۲۳ - قوچان) یکی از همین هنرمندان است که در قوچان متولد شد و در همین شهر به شاگردی استاد توفیقی نائل شد. او در تهران نیز در محضر اساتیدی چون سید حسن میرخانی، ابراهیم بوذوی و نجفی زنجانی، حضور یافت و توانایی خود را در زمینه خط نستعلیق، شکسته، خط نسخ و ثلث به حد اعلا رسانید.

او مؤلف ۳۵ جلد کتاب در زمینه خط و خوشنویسی است و بیش از ده ها نمایشگاه داخلی در شهرهای مشهد، تهران، ساری، رامسر، گرگان، بیرجند، گناباد، طبس و ... و ده ها نمایشگاه خارجی در ترکیه، سوریه، لاهور، اسلام آباد، بلغارستان و

- این قرآن چه ویژگی ای دارد که از بقیه متمایزش می کند؟ آیا این تفاوت تنها در قطعش است؟

- خیر، تنها در قطعش متفاوت نیست بلکه ویژگی هایی دارد که خاص این قرآن است از جمله اینکه هر جز آن دقیقاً ۲۰ صفحه است. همچنین تا الآن سعی بر این بوده که بسم الله هر سوره، سر صفحه باشد، در صورتی که در قرآن های دیگر در وسط صفحه هم قرار دارد. علاوه بر این ها هر سوره با یک نوع بسم الله آغاز شده است. یعنی ما ۱۱۴ سوره داریم؛ بنابراین ۱۱۴ نوع بسم الله با انواع خطوطی نظیر کوفی، نسخ، ثلث، نستعلیق، دیوانی، رقعه، رفاع و ... در این قرآن به چشم می خورد. هر جز یک طرح تذهیب مجزا دارد؛ بنابراین در کل قرآن ۳۰ طرح تذهیب

کتاب هایی را از اساتید دانشگاه ها می بینم که اصلاً رغبت می کنم آنها را مطالعه کنم؛ چون صفحه آرایی مناسبی ندارند. صفحه پر است از نوشته های ریز و درشت و هر لحظه انگار کلمات می خواهند از صفحه سر ریز شوند. شاید به این دلیل از دو نوع خط استفاده کردم تا از یکنواختی جلوگیری کنم.

- اما باز هم با اینکه دو نوع خط به کار برده اید، در مجموع در کل صفحات، ما این یکنواختی را احساس می کنیم. صفحاتی شبیه به هم باز تکرار می شوند و تکرار ...!
- بله همین طور است. اما بیشتر از این آزادی عمل نداریم، چون قرآن است. در کتابهای دیگر می شود با انواع خطوط بازی کرد، اما در قرآن نمی شود. مثلاً در کتابی که جزء سی ام قرآن را نوشته ام، هر سوره با یک نوع صفحه آرایی خاص تزیین شده است که هیچ کدام شبیه به دیگری نیست و با نوع متفاوتی از خط کتابت شده است. یا در کتاب کلام جاوید حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) که دارای ۴۰ صلوات است، هیچ کدام از سطرها شبیه به دیگری نوشته نشده.

- چرا از ثلث ترکیبی برای کتابت استفاده کرده اید. ما در قرآن های قدیم می بینیم که اگر هنرمندان از ثلث برای کتابت قرآن بهره گرفته اند از نوع سطری آن بوده است تا خوانایی کافی برای مخاطب داشته باشد. مثلاً در قرآن ابراهیم سلطان که متعلق به دوره تیموری است ما ثلث سطری را می بینیم که از خوانایی کافی برخوردار است یا در قرآن های دیگر نظیر علاء الدین. اما این جا این گونه نیست؟

- این قرآنی که می بینید و مقابل شماست، دومین قرآنی است که در قطع بزرگ کتاب کرده ام. در کتابت آن قرآن از ثلث ترکیبی استفاده کرده بودم اما برای کتابت قرآن اخیر از ثلث سطری استفاده کرده ام.

- این کار را از چه زمانی شروع کرده اید و تاکنون چند درصد از کار را پیش برده اید. پیش بینی می کنید کتابت آن تا کی به پایان برسد؟

- عید غدیر سال ۸۸ شروع به کار کردم و تاکنون حدود یک سوم از کار را پیش برده ایم. در مورد پایان کار هیچ چیز معلوم نیست؛ چون شرایط آینده اصلاً مشخص نیست. شرایط مالی، شرایط همکاری دوستان تذهیب کار و ... من برای نوشتن هر صفحه دو روز وقت می گذارم در صورتی که برای انجام تذهیب آن، هر صفحه حداقل ۱۰ روز طول می کشد و این دو اصلاً با هم تناسب ندارند. بنابراین کار عقب می ماند.

شاید اگر به همین شکلی که هم اکنون پیش می رویم، با همین نیروها کار را ادامه دهیم، حداقل شش سال دیگر



به چشم می خورد. در مورد جلدش هم به این فکر می کنم که ان شاء الله بعد از اتمام کار، روی آن را به شیوه میناکاری تزیین کنم. مشابه دربهای حرم مطهر امام حسین (علیه السلام) که به شیوه میناکاری آنها را آراستم.

- چه شد که به فکر نوشتن بزرگترین قرآن جهان افتادید؟
- در کتابهایی راجع به انواع خطوط می خواندم که شخصی قرآنی را به اندازه نگین انگشتر کتابت کرده است. سپس آن را نزد حاکم زمان می برد. حاکم نه تنها او را تشویق نمی کند بلکه او را توبیخ هم می کند و می گوید قرآن به این عظمت چرا به اندازه نگین انگشتر!

من هم به این فکر افتادم که کاری منحصر به فرد انجام دهم. اینکه قرآنی کتابت کنم که تنها در ابعادش بزرگ نباشد، بلکه بزرگی اش را هم به تصویر بکشم.

- تا کنون قرآنی به این بزرگی کتابت شده است؟
- تا جایی که خبر دارم تا الان چنین کاری را نه دیده ام و نه شنیده ام. می دانم شاید هم در گوشه ای از دنیا کسی مثل من مشغول نوشتن قرآنی به این عظمت باشد.

- چرا برای کتابت این قرآن از دو نوع خط نسخ و ثلث تو امان استفاده کرده اید؟

- برای تنوع بیشتر و اینکه یکنواخت نباشد. بعضی وقت ها

به پایان برسد.

- حدود ۴۰ سال پیش مرحوم استاد میرخانی در تهران مرکب مخصوصی را به نام مرکب معصومی به من معرفی کردند که تا الان هنوز با آن مرکب می نویسم. در مورد قلم نی هم خیر، ابزار خاصی نمی خواهد. من هم با همان قلم نی معمولی کتابت می کنم.

- استاد علیرغم اینکه کتابت این قرآن نفیس توسط شما، یعنی یکی از بزرگترین خوشنویسان ایران، انجام می شود، اما متأسفانه تذهیب آن از کیفیت چندان مطلوبی برخوردار نیست. نوع رنگ گذاری و قلم گیری در تذهیب بسیار مهم است اما این جا انگار این ظرافتها اصلاً به چشم هم نمی خوردند!

- پس این مرکب ماندگاری چندان هم ندارد؟
- ببینید، برای طرح های تذهیب از رنگهای اکریک و آب طلا استفاده می کنیم به علت اینکه قابل شستشو هستند. یعنی بعد از اینکه خشک می شوند، حتی اگر آب هم روی آن بریزد، اتفاق خاصی نمی افتد و به کار صدمه ای نمی زند. اما برای مرکب نمی شود از این نوع رنگها استفاده کرد چون قرآن است و باید در صورت خطا در نوشتن، فرصت اصلاح آن را نیز داشته باشیم.

- بله. اگر شرایط مالی مساعد باشد، دو سه اکیپ تذهیب کار این جا استخدام می کنم تا هم سرعت کار را بالا ببرند و هم کیفیت اجرا را. متأسفانه به دلیل عدم امکانات مالی، تمام بچه هایی که این جا کار می کنند، یا کارآموز دانشگاهها و هنرستان ها هستند، یا افرادی هستند که فی سبیل الله مشغول به کارند و رایگان کار می کنند و نمی توان توقع زیادی داشت. بنابراین چگونه می شود با این شرایط به کار سرعت بخشید و انتظار تذهیب حرفه ای هم داشت!

- نوشتن قرآن چقدر زندگی روزمره شما را تحت الشعاع قرار داده است؟

- اما با این وجود طرح های تذهیب به نظر اصولی می آیند؟
- بله طرح ها توسط اساتید تذهیب کار مشهدی نظیر نبی زاده، قاسمی، رزاقی، عطاپور و ... طراحی می شوند و سپس توسط این بچه ها اجرا می گردند.

- نظم خاصی به زندگی ام بخشیده است. ساعت را ببینید روی چه عددی کوک است؟! من هر شب یک ربع به ۳ از خواب بر می خیزم، وضو می گیرم یک صفحه قرآن می خوانم و بعد شروع به کتابت قرآن می کنم. پس از اذان، نماز می خوانم و باز دوباره به نوشتن ادامه می دهم تا ۵ صبح که صبحانه می خورم و باز ادامه کار و شب هم ۱۰ می خوابم. دو سه سال است که این برنامه هر روزه ام شده است.

- منتقل کردن طرح تذهیب در قطع بزرگ روی سطح به این بزرگی کار بسیار مشکلی است. چگونه طرح را منتقل می کنید؟

- با توجه به قطع بزرگ قرآن آیا مکان خاصی را برای آن پیش بینی کرده اید؟
- فعلاً فکر نکردم به کجا بدهم، فقط می نویسم.

- به وسیله چاپ سیلک طرح را روی پارچه انتقال می دهیم. این شیوه دو حسن دارد. یکی اینکه سرعت عمل را بالا می برد و دوم اینکه بسیار تمیز منتقل می شود.

- ضمن تشکر از همراهی تان، می خواستم بدانم چه صحبتی با متولیان هنری دارید، یا اگر حرفی باقی مانده است بفرمائید ...

- نوشتن با مرکب روی بوم های معمول کار آسانی نیست، پارچه را چگونه آماده سازی کرده اید و برای آهار آن از چه موادی بهره گرفته اید که به این خوبی متن روی آن می نشیند؟

- تمام اجرای این پروژه با هزینه شخصی خودم است. کاش مسئولان لاقال یکبار سرکشی کنند و ببینند این جا چقدر کار داریم. کاش آنها، بچه هایی را که این جا بدون هیچ چشم داشتی دارند کار می کنند را تأمین کنند تا لاقال آنها تشویق شوند و با انگیزه بیشتر به کار ادامه دهند. چون اگر بچه ها خوب و سریع کار کنند سرعت کار هم بالا می رود. من دیگر پیر شده ام. دستم می لرزد. مثل سابق نمی نویسم. به فردا امیدی نیست. می خواهیم کار را بالاخره تمام کنیم...

برای زیرسازی بوم از رنگهای اکریک به همراه نوعی رنگ به نما پی یو استفاده می کنم که ۴ بار هر طرف پارچه زیرسازی می شود سپس با آستر مخصوصی روی آن را می پوشانم.

- معمولاً مرکب های سنتی ماندگارترند. شما چه نوع مرکبی استفاده می کنید؟ آیا مرکب خاصی است و اینکه چه ابزاری را جایگزین قلم نی کرده اید که نیاز شما را در این پروسه طولانی بر طرف کند؟ چون معمولاً خوشنویسان برای نوشتن کارهایی با ابعاد کوچک تر با یک قلم خیزران معمولی شروع می کنند و تا آخر پیش می روند. آیا شما برای کار با این ابعاد وسیله خاصی را به جای قلم نی تدارک دیده اید؟